

آینه‌های روبه‌رو

هاروکی موراکامی:

باید قوی باشم

فاطمه عسگری آزاد

■ **گاردین:** خانواداش انتظار داشتند که او سغلی در متسبوسیتی داشته باشد در عوض او در سن پابین ازدواج کرد و از یک کلوب جاز شروع کرد. این نویسنده کسی نیست جز هاروکی موراکامی که به تازگی آخرین کتاب او ۱۴۸۴ او خواب را از چشمان کنافروشی‌های بریتانیا و آمریکا بود. موراکامی در ۶۳ سالگی هنوز مانند یک نوجوان اسکیت‌باز به نظر می‌رسد. زمان خود را بین خانه‌ای در هاوایی، ژاپن و محل سومی که او آن را «انجا» می‌نامد، می‌گذراند. این جایی است که او هر روز ناپدید می‌شود و مشغول نوشتن داستان‌هایش می‌شود. محلی که تعریفی مانند خود موراکامی دارد: معنایی، بی‌روح، پر از احساسات مسطح برش خورده در این مکان قسمت مجزایی برای رمان نویسی موراکامی وجود دارد. با فروش بیش از میلیون‌ها نسخه از رمان موراکامی امروزه او موقعیتی مانند یک مکتب فکری پیدا کرده است. «من به خودم مانند یک هنرمند نگاه نمی‌کنم.» این جمله‌ای است



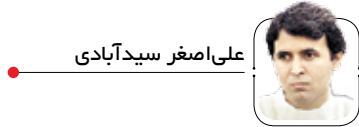
که این نویسنده در طول مصاحبه‌اش بیش از یکبار بیان کرد: «من تنها یک فرد معمولی‌ام که می‌تواند بنویسد. به» ظاهر آرام موراکامی شاید از پس‌زمینه او یعنی آراه کردن کلوب جاز در ۲۰ سالگی نشأت گرفته است. همان طوری که او در خاطرش نوشته: «کثر روزها ساعت چهار صبح از خواب بلند می‌شود تا ظهر می‌نویسد و بعد از ظهر را در حال تمرین برای maratn ورزش می‌کند. این نظم روزمره قانونی است که برای نوشتن هزار صفحه در طول سه سال استفاده شده است.» این فیزیکی است، اگر برای او سه سال هر روز مشغول نوشتن باشی باید حتما فرد قوی‌ای باشی، باید از لحاظ ذهنی هم قوی باشی اما در مرحله اول باید از لحاظ جسمی قوی باشی. این نکته مهمی است باید از لحاظ جسمی و روحی قوی باشی.»

عادت تکرار در او چه سبک حرکات غیرآرادی اندام‌هایش، چه طرز صحبت کردنش که می‌تواند از عوارض اسکلیزی صحبت کردن یک ژاپنی باشد، اما هرچه که هست بی‌نیاهت عمیق به نظر می‌رسد. او در مورد اهمیت دویدنش می‌گوید: «بجز دارم که قوی باشم، زیرا باید در را باز کنم، این در بزرگ و سنگینی است. به طور استعاری البته، اما باید به سمت دیگر اتاق بروم و در را ببندم. بنابراین این به معنای واقعی کلمه قدرت جسمانی برای باز و بسته کردن در نیاز دارم. اگر این قدرت را از دست بدهم نمی‌توانم دیگر داستان بنویسم. ممکن است بتوانم داستان کوتاه بنویسم اما نه یک رمان؛ در رمان جدید او قهرمان Aomame به‌طور کاملا واقع‌نمایی در حالی که در ترافیک گیر کرده است ظهور می‌یابد. او برای فرار از ترافیک مسیر دیگری را جایگزین می‌کند. جایی که خودش را در یک جهان موازی می‌یابد. این آنچه که او به آن ۱۴۸۹ می‌گوید. مانند بسیاری از داستان‌های موراکامی

ترکیبی است از رئالیسم و سورئالیسم؛ ساعت‌های معلق، سگ‌های در حال انفجار، موجوداتی که «مردم کوچک» نامیده می‌شوند. ممکن است خواننده با خواندن این رمان از خود بپرسد آیا همه اینها بی‌معنی نیست؟! شکی نیست که نویسنده در داستان آنها را به هم پیوند داده است. موراکامی همان قدر که خجالتی و فروتن است در کتاب‌هایش وارد بحث‌های عادی می‌شود. در پی انفجار گاز در مترو توکیو در ۱۹۹۵ او مجموعه‌ای از مقالات با نام «زیرزمین» را در مورد این رویداد در ژورنال انتشار داد. او احساس می‌کند که به‌عنوان یک رمان‌نویس ژاپنی نماینده کنشورش است. اگرچه او رمان‌های غربی بسیاری را به زبان ژاپنی ترجمه کرده است که شامل نوشته‌های نویسنده محبوبش Raymond carrer هم می‌شود. اما ترجمه از ژاپنی به انگلیسی را خیلی سخت می‌داند. او می‌گوید هیچ وقت کتاب‌های خودش را به زبان دیگری ترجمه نمی‌کند. «فقط یک مسابقه جهانی بین مترجمان قانونی در جریان است.» اوایل سال جاری زمانی که زلزله و سونامی به ژاپن رسید، او در هونولولو بود. او می‌گوید «این وقایع کشور را تغییر داد، مردم اعتماد به نفس خود را دست دادند. ما پس از جنگ جهانی به مدت ۴۰ سال به سختی کار کرده بودیم، ما شادتر و ثروتمندتر شده بودیم. اما در پایان ما شادی را به دست نیآوریم. اگرچه سخت کوشیده بودیم ولی زلزله اتفاق افتاد و بسیاری از مردم مجبور شدند خانه و میهن خود را تخلیه کنند. این یک تراژدی است. ما به تکنولوژی خودمان افتخار می‌کردیم، اما قدرت هسته‌ای‌مان برای مردم تبدیل به یک کلبوس شد بنابراین مردم طرز فکر و شیوه زندگی خود را تغییر دادند. من فکر می‌کنم که این یک نقطه عطف بزرگ در زمان است.» او این مطالب را به حوادث ۱۱ سپتامبر مرتبط می‌کند. به اعتقاد او این اتفاق باعث تغییر تاریخ جهان شد، از دیدگاه یک نویسنده این یک رویداد معجزه‌آسا است. در حقیقت ۱۱ سپتامبر بیش از حد مهم است.

تصحیح

■ هفته گذشته در گزارش اختتامیه دوسالانه مجسمه‌سازی نام «نگار نادری پور» سازنده مجسمه «آمنه بهرامی» به اشتباه درج شده بود، که به این وسیله تصحیح می‌شود.



علی‌اصغر سیدآبادی

بیرون آمدن از زیر سایه سنگین نام شجریان کار آسانی نیست. شجریان در جایی از موسیقی ایرانی ایستاده است که رهایی از جاذبه‌اش برای بسیاری ممکن نیست. بسیاری از شاگردان او هنوز نتوانسته‌اند از دایره این جاذبه بیرون بیایند و پای کارهایشان، امضای شخصی داشته باشند. گاهی این ویژگی را به‌عنوان نقد بر نحوه آموزش شجریان، طرح کرده‌اند، اما کنسرت اخیر همایون شجریان نشان داد که مشکل احتمالا جای دیگری است. همایون شجریان بیش از هر کس، پای درس پدر نشسته است. او به گواهی استادشجریان تنها شاگرد اوست که از کودکی زیر نظر پدرش آموزش دیده است و احتمالا بیش از هر کسی نسبت به پدرش شیفتگی دارد. با این حال، شاید از معدود شاگردان شجریان باشد که از مدت‌ها پیش راهی را انتخاب کرده است که به کنسرت اخیرش منتهی شد، کنسرتی که به‌خوبی نشان داد او شخصیت هنری

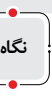
شرق: «خانه نمایش» پس از ۹ ماه تعطیلی با حضور دو نفر از بنیانگذاران اصلی آن در محلی اجاره‌ای شامگاه جمعه ۲۷ آبان بازگشایی شد.

است که به گفته عباس جوانمرد که در بنیانگذاری آن نقش مهمی داشت بیش از ۵۰ سال پیش به دست تمام اعضای گروه هنر ملی ساخته شد: «گروه هنر ملی بیش از ۷۰ عضو داشت، از بهرام بیضایی گرفته تا محمود دولت‌آبادی و دیگران. ما ۱۸ خانواده به‌هم پیوسته بودیم که با هم کار می‌کردیم.»

جوانمرد اظهار امیدواری کرد: «خانه نمایش جدید جانشین‌سیاسته‌ای برای خانه نمایش قبلی باشد.» این هنرمند قدیمی تئاتر با اظهار باساف از شرایط مالی نامناسب تعدادی از بازیگران سابقه‌گفت: آخرین نابویی که در نسل ما به طور مداوم و مستمر کار کرد، جمیله شیخی بود. زمانی که او فوت کرد برای بزرگداشتش چیزی نوشتیم اما آنقدر ناراحت بودم که از چاپ آن صرف‌نظر کردم. جمیله از طبقه چهارم خانه اجاره‌ای‌اش که در آن تک و تنها زندگی می‌کرد، پله‌ها را پایین آمد و در آخرین پله‌ها روی زمین افتاد و فوت کرد و این دردناک‌ترین اتفاقی است که برای هنرمندی با جایگاه او باید جمیله شیخی این‌گونه بمیرد؟!»

عزت‌الله انتظامی یکی دیگر از اعضای قدیمی خانه

مستقل و منحصر به فردی دارد. همایون در کنسرت اخیر در چارچوب سنت‌های موسیقایی که در دامن آن آموزش دیده و رشد کرده است، نوآوری‌هایی را تجربه کرده که به کارش رنگ‌وبویی یگانه و متمایز داده است. در آوازها و تصنیف‌هایی که در این کنسرت اجرا شده، اگرچه ردپای آن سنت‌ها دیده می‌شود، اما امضای شخصی همایون شجریان و گروه هموزان را می‌توان دید. شاید بخشی از دلایل این اتفاق در کار همایون را بتوان به تلفیق موسیقی ایرانی و فلاپینگو نسبت داد، اما این همه ماجرا نیست. درست است که کنار هم نشستن سازهای متفاوت و تلفیق دو نوع موسیقی خود به خود رنگ و بویی متفاوت به کار خواننده داده است، اما نباید ظرفیت صدای همایون را ندیده بگیریم. اغلب ترانه‌ها و آوازهایی را که همایون اجرا کرد، به گونه‌ای نبود که اگر صرفا با سازهای ایرانی اجرا می‌شد، کسی گمان می‌کرد که از موسیقی ایرانی فاصله گرفته است. اتفاقا هنر



عبور همایون از پدر

همایون همین بود که نوآوری‌هایش در چارچوب موسیقی خودش اجرا شد. او مسیروش را عوض نکرده، بلکه آن را ادامه داده و کامل کرده است و در ادامه راه به مقصدی رسیده است که مقصد اختصاصی اوست. همایون حتی در همین کنسرت اخیر نیز که به نظر می‌رسد، تفاوتش از آثار پدرش چنان است که حالا می‌توان او را به‌عنوان خواننده‌ای با امضای شخصی پای آثارش خواند، باز هم متأثر از آموخته‌های پیشین خود است، اما این تاثیر با تقلید تفاوت دارد، درحالی‌که بسیاری از خوانندگان مقلد آن آموزه‌ها هستند. انتخاب شعرها و توجه به بار اجتماعی و رسانه‌های شعر، چنانکه با خواسته‌ها و آمل و آرزوهای مخاطبان امروز گره بخورد، پیش از این به بهترین‌وجه در کار شجریان پدر به‌چشم می‌خورد. یکی از چندین عامل محبوبیت شجریان توجه به همین ویژگی در انتخاب شعرهاست. درست است که او اغلب آثاری از سعدی و

انتظامی در مراسم افتتاحیه «خانه نمایش»:

سینما ما را بلعید



علی‌اصغر سیدآبادی

نمایش بود که این بار هم از خاطرات قدیمی از اجراهای تئاتر در لاله‌زار و ورودش به تئاتر گفت: «۱۳ ساله بودم و رفتم لاله‌زار، شاگردی مدرسه بودم. در تمام مدت که کار می‌کردم پدر و مادر نمی‌دانستند تئاتر کار می‌کنم به آنها گفته بودم در تئاتر برق کشی می‌کنم. وقتی فیلم «گاو» را

بازی کردم به مادرم گفتم فیلمی بازی کرده‌ام که هیچ رقصی ندارد، هیچ دختری در آن نیست، اما مادرم حاضرم نشد. وقتی سیدما و فیلم مرا ببیند.»

انتظامی از اداره تئاتر و همکاری‌اش با عباس جوانمرد، داوود رشیدی، جمشید مشایخی، علی نصیریان، جعفر

۵ جایزه برای محمدعلی طالبی و «باد و مه»



محمدعلی طالبی و فیلم بادومه که اکنون در سینماهای آلمان در حال اکران است، برنده پنج جایزه از جشنواره امسال فیلم کودک و نوجوان شد. طالبی، برنده دو پرونه زرین شد و پرونه زرین بازیگر کودک به «ریس»، «دیلیم» افتخار بهترین بازیگر نوجوان دختر به «شگوری» و «دیلیم» افتخار بهترین عکس‌صحنه به کشانی و گلچین‌رسید.

سام مندس و ساخت «ریچارد سوم»



سام مندس، فیلمساز اسکار گرفته انگلیسی قصد دارد نسخه سینمایی نمایش موفق صحنه‌ای خود «ریچارد سوم» را با همکاری کوین اسپسی جلو دوربین برود. در این نسخه سینمایی که نگاهی به نمایش صحنه‌ای خود مندس دارد، کوین اسپسی نقش اصلی آن را بازی می‌کند.

کیانیان: خودم را غافلگیر می‌کنم

ووقی ناصر ملک‌مطیعی از آنها به‌عنوان سه قله سینمای قبل از انقلاب یاد کرد: «همیشه دوست داشتم با این سه سوپرستار سینمای قبل از انقلاب گفتگو کنم زیرا این پرسش همیشه در ذهنم بود که این بازیگران که فیلم‌هایشان درباره لانتباری، چاقوکشی و لجن‌بازی است، حتی با گذشت این همه سال، باز در بین جوانان محبوبیت دارند و این مساله از همان موارد توجه به جزئیات در ذهن من بود.» او که «مباحثه‌ای طولانی با محمدعلی فردین داشت؛ تعریف کرد: «زمان حیات آقای فردین به دلیل فیلم «سینما سینماست» یک آکران خصوصی در سینما صحرانگاشته بودند و ایشان هم در قسمت میهمانان ویژه نشسته بود، زمانی که وارد سینما شدم به من اطلاع دادند که آقای فردین علاقه دارد شما را ملاقات کند و در ذهنم همیشه فکر می‌کردم ایشان حتی دو خط کتاب هم نخونده است. زمانی که او را دیدم و با همدیگر صحبت کردم فهمیدم ایشان تمامی فیلم‌ها مرا دیده و نوشته‌های مرا خوانده‌اند، خیلی شرمنده شدم. آقای فردین جزو اولین کسانی بود که انواع دوربین فیلم‌برداری و حتی حرفه گرم‌روری را به ایران وارد کرد.» کیانیان در بخش پرسش و پاسخ این برنامه، در پاسخ به یکی از مخاطبان مبنی بر اینکه تا چه حد بازیگر، نویسنده و عکاس است، توضیح داد: نویسنده ساخ و دم ندارد، خب من هم می‌نویسم، گاهی خودم را غافلگیر می‌کنم و ممکن است در آینده هم داستان‌نویسی کنم و نمایشگاه عکس‌هایم نیز کاملا جدی است.

کلیه کوچک من

مریم و زکریا - قسمت دوم (۸۷)

اردشیر خرم‌نکوب

■ در ادامه آیه سی‌وهفتم سوره آل‌عمران، خداوند کفالت و تربیت مریم را به جناب زکریا می‌سپارد. هر زمان زکریا به عبادتگاه این دختر پای می‌گذارد، خوردنی‌هایی پیش او می‌بیند که متداول نیست، و چون می‌پرسد: اینها از کجا آمده، مریم پاسخ می‌دهد: از جانب خدا. زکریا با تماشای این لطف مکرر، دستت به دامن خدا می‌برد و به سوز خواسته خود می‌افزاید. یک روز، زکریا در محراب عبادت خویش است که فرشتگان او را به پسری حییی‌نام بشارت می‌دهند. حییایی که پاک و بزرگ و نیک‌رفتار و نیک‌فرجام خواهد بود. این بشارت فرشتگان موجب اعجاب زکریا می‌شود. اعجابی فراتر از درخواست‌های مکررش. زکریایی که در سنین کهنسالی خود و با علم به نازایی همسرش مرتب از خدا پسر می‌خواست، اکنون با برآورده شدن درخواستش به شگفتی در می‌افتد. من شخصا به تعجب زکریا از شنیدن این مژده شوق‌انگیز حق می‌دهم. اما هم‌زمان، از این نیز در حیرتم که وقتی او از خدا پسری تقاضا می‌کند، خود نیک می‌داند این پسر، باید از خود او که کهنسال است و از همسرش، که نازاست، به‌دنیا بیاید، پس تعجب و نابوری او از چیست؟ در پاسخ به این بهت او، گفته می‌شود: خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد. اما زکریا هنوز در همان محدوده نابوری و بهت است. می‌گوید: خدایا نشانهای من بر من عرضه کن که خداوند می‌فرماید: به این نشانی که تا سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت (و زبان تو بی‌دلیل از کار می‌افتد). من خود به راز اعجاب زکریا از زوایای دیگر می‌نگرم. از همان زاویه که پیامبر بزرگ و بزرگواری چون ابراهیم از خدا می‌خواهد تا برای اطمینان قلبی او، چگونگی زنده کردن مردگان را نشان او بدهد، وگرنه، هم زکریا و هم ابراهیم، بیش از هر کس بر قدرت بلامنازع خدای متعال، واقفانند. داستان زکریا را از ایسن روی تا بدین‌جا بازمی‌گویم که به ایجاز و معماگونهی قرآن در همین موقف اشاره کنم.

یک اتفاق

هفته مستند در «خانه سینما»

■ انجمن مستندسازان سینما با همکاری خانه سینما ۲۴ مستند برگزیده پانزدهمین جشن خانه سینمای ایران را از اول تا چهارم آذر به نمایش می‌گذارند. ناصر صفاریان، دبیر هفته فیلم و مدیر اجرایی در یادداشتی برای برگزار این هفته نوشت: سنگبنای این هفته فیلم را از سال ۸۵ و در ادامه بی‌مهری مدیریت دولتی در اکران فیلم مستند و پخش آن از تلویزیون گناشتند تا درجه‌ای روی مخاطبان باز کنند. در میان فیلم‌های سال جاری دو مستند اجتماعی با نام‌های «تاتی‌امن» ای‌دا پلاننده و «عاتت می‌کنیم» به کارگردانی محسن استادعلی حضور دارند. دنمکی‌ها به کارگردانی پگاه آهنگرانی و «کپی برابر اصل» به کارگردانی حمیده رضوی از پشت صحنه کپی برابر اصل هم به نمایش در می‌آید.

دور دنیا

جایزه ایشی گورو به فرهادی

■ شرق: «جدایی نادر از سیمین» در حالی برنده جایزه اول سینمایی جهان بی.بی.سی در سال ۲۰۱۱ شد که کارژنو ایشی گورو، نویسنده مطرح ژاپنی به عنوان یکی از اعضای هیات آوران آن را ستود. «جدایی نادر از سیمین» به همراه «پوستی» که در آن زندگی می‌کنم، ساخته پدرو المودوار، نامزد نهای جایزه سینمای جهان بودند.

دور ایران

■ کلیات اشعار اسماعیل شاهرودی منتشر شد. کلیات اشعار اسماعیل شاهرودی (۱۳۶۰-۱۳۰۴) از مجموعه کتاب‌های مجموعه اشعار شاعران معاصر ایران در ۴۱۶ صفحه از سوی انتشارات نگاه منتشر شد.

■ گزیده‌هایی از اشعار شاهرودی در سال‌های گذشته توسط چند ناشر به چاپ رسیده ولی انتشارات نگاه همه اشعار او را در یک کتاب گردآورده و در قالب مجموعه اشعار شاعران معاصر ایران عرضه کرده است. از این ناشر بیشتر ۲۱ مجموعه شعر از رهی معیری، احمد شاملو، نجم‌ابوشیح، منوچهر آشنی، شهپار، بدیله رویایی، شمس لنگرودی، سعیدعلی صالحی، عماد خراسانی، نادر نادرپور، نصرت رحمانی، حسین منزوی و... به چاپ رسیده است.

■ مجموعه داستان «آرام‌بخش می‌خواهم» محمدهاشم اکبریانی رونمایی می‌شود. آیین رونمایی از مجموعه داستان تازه اکبریانی که به تازگی از سوی نشر افکار منتشر شده، روز سه‌شنبه (اول آذرماه) از ساعت ۱۶ تا ۱۸ با سخنرانی مدیر نشر افکار، اسدالله امرابی و علی عبداللهی در کتابفروشی افق واقع در خیابان انقلاب، کنار سینما سپیده برگزار می‌شود.

والی و... گفت: «داره تئاتر همان زمان هم نیازمند تعمیرات بود و حیف است اگر بازسازی نشود.»

او با اشاره به اقدامات اخیر شهرداری در گسترش سالن‌های سینما و تئاتر افزود: «اما تئاتری‌ها همیشه مظلومند. متأسفانه هنوز در وزارت کار ما را کارگر تئاتر می‌دانند. البته ما هم افتخار می‌کنیم کارگر تئاتر باشیم هرچند با سالیانگی که ما داریم دیگر باید سرکارگر شده باشیم.» انتظامی در بخش دیگری از صحبتش با اظهار تأسف از شرایط نابسامان هنرمندان از کارافتاده متذکر شد و گفت: وقتی سسن‌مان بالا می‌رود از کار می‌افتیم، خانم‌ها زودتر از کار افتاده می‌شوند اگر هم بخواهیم کار کنیم به ما کار نمی‌دهند. وضع کار هنرمندان تئاتر خیلی ناچور است. همه هنرمندان تئاتر زمانی خانده شدند که سرپال بازی کردند. ما نیازمند توجه بیشتر هستیم و بعد هم سینما آمد و ما بلعید.»

عزت‌الله انتظامی از غلامحسین کرباسچی تقدیر ویژه‌ای کرد که «در قبرستان یک قطعه ویژه هنرمندان ساخته تا آنها را مجانی دفن کنند!» امیدواریم مسولان تئاتر کمی فکر ما را بکنند. فکر مرا نه، فکر خانم‌های ما که این همه سال زحمت کشیده‌اند. امیدواریم امشب بتوانیم به تمد غدير که چند روز پیش بوده یک بهره‌بردار می‌درست کنیم.»

در این مراسم حمید شاه‌آبادی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مریم معترف هم صحبت کردند.

اسکار لت جوها نسن کار گردانی می‌کند



موری وب: «اسکارت جوها نسن» بازیگر برنده اسکار هالیوود، اولین فیلم سینمایی خود را با اقتباس از یکی از آثار «توم کاپوتی» می‌سازد. «کاپوتی» این رمان را در دهه ۴۰ به رشته تحریر درآورد و پس آن به مدت بیش از نیم‌قرن کسی از آن خبر نداشت تا آنکه در سال ۲۰۰۶ کشف و منتشر شد.

مصوبات شورای عالی سینما لغو می‌شود؟

احمد نجفی و محسن علی‌اکبری از اعضای شورای عالی سینما معتقدند مصوبات این شورا همچنان واجهت قانونی دارد و برای بهبود وضعیت سینما قابل استفاده خواهد بود. طی چند روز گذشته تکتهای مطرح شده است که روزنامه خراسان و پس از آن سایت تابناک آن را مطرح کردند: «شنیده شده یک دستگاه نظارتی با ارسال نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی د انتقاد از تشکیل شورای عالی سینما، این اقدام دولت را در مغایرت کامل با قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانسته و اعلام کرده است که به دلیل طی نشدن مسیر صحیح در تصویب مصوبات، همه موارد ارتدادی توسط این شورا لغو می‌شود چراکه باید توسط وزیر ارشاد دستگاه‌های مربوطه ابلاغ شود نه شورای عالی سینما.» دبیر شورا که سخنگوی آن نیز هست جواد شفقردی است که دسترسی به او امکان‌پذیر نیست. در میان اعضای آن «مسعود دنمکی» درباره این شورا سخن نمی‌گوید و محسن علی‌اکبری و احمد نجفی هر کدام زمان تقریبی حدود یک یا دو هفته دیگر را برای برپایی جلسه دیگری از این شورا اعلام می‌کنند. اما هر سه عضو شورا بر یک نکته تاکید دارند که در این زمینه تکتهای شنیده‌اند اما هر اتفاقی در ایران قابل پیش‌بینی است. محسن علی‌اکبری به شرق می‌گوید: «مصوبات این شورا در سیستم حقوقی ریاست جمهوری وارد می‌شود. در حال حاضر هم بوجه‌طرح‌هایی که در شورای عالی سینما تصویب می‌شود زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعریف می‌شود و



نمایش مراسم تقدین نوشته نلی شاه‌نظریان در برنامه نمایشنامه‌خوانی نمایشنامه‌نویسان ارمنستان در تهران به کارگردانی محمد یعقوبی خوانده می‌شود. این برنامه که امروز (یکشنبه) ۲۹ آبان ساعت ۱۸ در تالار کنفرانس تئاتر شهر برگزار می‌شود، آی‌دا کیخیزی و ساقی عسائی نقش‌های اصلی را می‌خوانند.

